



رحمان حسین زاده

بفرمانشان، نقطه حرکت این جنگ "از بین بردن سلاحهای کشتار جمعی"، "ساقط کردن دیکتاتوری صدام" و به طور قطع "آزادی مردم" نیست. اینها خود سلاحهای کشتار جمعی را در اختیار رژیم صدام جنایتکار گذاشتند. اینها در سالها و دورههایی که صدام مستقیماً با همان سلاحها مردم عراق و

صفحه ۴

خطاب به مردم کردستان عراق

شرکت ناسیونالیسم کرد در جنگ و جنایت آمریکا به نام مردم کردستان مردود است

مردم آزادیخواه کردستان!

از فاجعه ایست که اتفاق افتاده است. بمباران و موشک باران شب و روزی شهرها، حاکم کردن وحشت و مرگ بر دقایق حیات مردم، با خاک یکسان کردن بسیاری از خانه و منازل مردم و مشاهده انبوه اجساد مردم بی دفاع و کودکان، تکان دهنده و از پیامدهای اولیه این فاجعه بزرگ است.

جنایات تحمیلی بر مردم عراق تنها بخش معینی از نتایج جنگی است که کل بشریت و جهان امروز را نشانه رفته است. بر خلاف تبلیغات دروغین آمریکا و متحدین و رسانه‌های گوش

دنیا شاهد جنگ جنایتکارانه آمریکا و متحدینش علیه عراق است. جنگ خانه به خانه به بغداد و دیگر شهرها کشیده شده است. تهاجم گسترده و مغولوار ارتشی مجهز به مرگبارترین سلاحها و کشاندن این جنگ به محل زندگی و اماکن عمومی، بدون کوچکترین رحمی به مردم عادی و کودکان و نونهالان تازه چشم گشوده به زندگی پرده‌ای از جنایات عظیم در حال وقوع است. درگیری و بی‌خانمانی تنها گوشه محدودی

جنگ و نقش رسانه‌های سرسپرده پنتاگون

میشود. واداشتن پیتر آرنت به عذر خواهی برای بیان یک گوشه کوچک حقیقت مربوط به جنگ جاری و اخراج او از بنگاه خبرگزاری ان بی سی، به توپ بستن هتل محل اقامت خبرنگاران خارجی توسط نیروهای آمریکا در بغداد و کشته شدن چند تن از آنها، بخشی از حذف حتی فیزیکی آن خبرنگار و فیلمبردارانی است، که تماماً و درست به ماشین تبلیغات جنگی آمریکا

صفحه ۵

حقایق و رساندن اخبار واقعی برای افکار عمومی باشند، اینک بی کم و کاست به بخش بزرگی از توجیه گران و مروجان سیاست دولت های غربی تبدیل شده اند. در این رسانه ها می توان همه چیز را غیر از بیان حقیقت پیدا کرد. ریاکاری، دروغ پراکنی، جعل و قلب واقعیات دنیای امروز مهمترین وظایف این رسانه های غرب است. در این جنگ هر آنچه در خدمت ارائه یک تصویر وارونه و قلابی قرار نگیرد، از صحنه میدیای رسمی و اجیر حذف



صالح سرداری
Sardari@web.de

دستگاههای تبلیغاتی و بنگاههای خبررسانی که قرار بود بیان کننده

جنگ، جنبش ضد جنگ و تاکتیک نظامی جنگ جاری



مجید حسینی

هر روزی که از این جنگ می گذرد، عمق و ابعاد فجایع و جوانب ترازویی که بر مردم در عراق می رود، عیان تر می گردد. هر روز خبر حملات سنگین تر از روز پیش و ریختن بمب های به مراتب قویتر از روز قبل را، بر سر مردم در شهرهای عراق می شنویم، آمار کشته و تلفات مردم به سرعت بالا می رود. با وجود سانسور شدید، خبر بمباران مراکز شهرها، محل کار و زندگی مردم، خانه و مدارس و بیمارستانها، توسط نیروهای آمریکا و متحدینش، در صدر اخبار جنگی قرار گرفته و دل هر انسانی را به درد می آورد. سردمداران نظام سرمایه، با کشتار مردم در عراق و ویران کردن آن مملکت، می خواهند "دموکراسی" و بازار آزاد را گسترش دهند، عراق را «آزاد» نمایند و نظم نوین جهانی خود را بر دنیا تحمیل کنند. جنگ خلیج و محاصره اقتصادی ۱۲ ساله عراق، مردم را به خاک سیاه نشانده و روزانه از آن قربانی گرفت. جنگ فعلی شیرازه این جامعه را زیر و رو میکند

صفحه ۲



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

ایسکرا
سردبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۷۵۷۴

رادیو انترناسیونال
هر شب
۹ تا ۹ و ۳۰ دقیقه
بوقت تهران
۲۱ متر برابر با
۱۳۸۸۰ کیلوهرتز
تلفن:
۰۰۴۴۷۷۱۴۶۱۱۰۶۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:
۰۰۴۶۸۶۵۹۰۷۵۵
روزهای پنجشنبه
نیم ساعت به
زبان کردی

یادداشتی برای ثبت و برای توجه اپوزیسیون

چهره بی نقاب عبدالله مهدی در دفاع از جنگ آمریکا و فدرالیسم قومی و مذهبی

فاتح
شیخ الاسلامی

صفحه ۳

علیه جنایتکاران جنگی صفحه ۶ هلاله طاهری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جنگ، جنبش ضد جنگ و تاکتیک نظامی

و از هر آنچه نشانه آبادانی و تمدن است ویرانه ای بر جا می گذارد، مردم را به ذلت میکشاند و ده ها سال این جامعه را به عقب می برد، تا بر متن آن، زمینه استقرار نظم آمریکا و متحدینش فراهم شود. در این راه بر کناری صدام دیکتاتور، خلع سلاح آن و غیره بهانه و دلیلی بر مشروعیت این جنایات می شود و به محور تبلیغات جنگی تبدیل میشود. در حالیکه دنیا پر از این نوع دیکتاتورهای متحد دیرین و استراتژیک آمریکاست، که همزمان عزیز و دموکرات معرفی می گردند. خود این مدعیان هم، دیکتاتورانند، قاتلانی هستند که با بکار گیری مدرن ترین تکنولوژی نظامی و وحشتناکترین بمب و سلاح های کشتار جمعی به جان مردم افتاده اند، تهدید و قلداری نظامیشان را بالا سر مردم جهان گرفته اند و وقیحانه شعور و وجدان بشریت را به ریشخند می گیرد. رژیم اسرائیل و شارون، فقط یکی از این موارد است.

دولت آمریکا یکی از مسببین اصلی جنگ و توطئه و نا امنی در جهان است. تنها کشوری است که بمب اتم را علیه بشریت بکار گرفته است، نیروهای نظامیش را در چهار قاره این کره خاکی علیه مردم به جولان انداخته، دیکتاتورهای زیادی را بنام دموکراسی سر کار آورده و یا بر کنار کرده است. آمریکا تهدید جدی برای صلح و امنیت و رفاه در جهان است و تنها با نیروی مردم آزادیخواه قابل مهار است.

اگر چه استراتژی ناظر بر این جنگ در راستا و امتداد جنگ خلیج است، اما حدود عواقب سیاسی و نظامی آن قابل مقایسه با جنگ اول خلیج در سال ۹۱ نیست. حمله به عراق، علاوه بر اینکه قدمی در راه تحمیل نظم نوین آمریکا بر دنیا است، دفاعی در جهت آن گامهای سیاسی و نظامی است، که از بعد پایان جنگ سرد تا کنون آمریکا در این راه بر داشته است. شکافی که بین آمریکا و انگلیس با فرانسه، چین، روسیه و آلمان بوجود آمده است، بخاطر دفاع از حقوق مردم و یا پشتیبانی از دولت عراق نیست، اختلاف اینها، بر سر سهم شان بر جهان و در استراتژی جداگانه اشان ریشه دارد. آمریکا نتوانست هژمونی اش را بر غرب ادامه

دهد تا از این طریق آقایی بر جهان را برای خود تثبیت و آسان سازد. اما توقف به خاطر این شکاف و جلب رضایت دیگر قدرتهای بزرگ دنیا، و یا رعایت موازین سازمان ملل در چنین شرایطی، با اصل استراتژی آمریکا و نظم نوین آن در تناقض است. بروز این شکاف و اختلافات، دور زدن سازمان ملل و زیر پا نهادن قوانین و مقررات آن، از نظر مقامات آمریکایی، تماما منفی نیست و حاوی جنبه های مثبت در راستای تحمیل قلداری نظامیشان نیز می باشد. به عبارت دیگر، نرم و قالب های قدیمی بین المللی و در مواردی دیپلماتیک هم، برای خوبی که آمریکا برای کل جهان دیده است نارسا و دست و پا گیر است. حمله به عراق، یعنی کشوری که صدام منفور در راس آن است، عوارض جنگ هشت ساله با ایران را بر خود دارد، جنگ خلیج و محاصره اقتصادی آن را فلج نموده و به شدت تضعیف کرده است، فرصتی "طلائی" را به آمریکا داد، که از دست دادش نمیتوانست نشان "بی کفایتی" بوش و چشم پوشی رژیم او از منافع و ارزشهای دموکراسی آمریکائی باشد. از این نظر، چه بهتر که از این موقعیت و فرصتی که پیش آمد و به آمریکا امکان داد، به تنهایی قدم پیش گذارد و با حفظ فاصله از بقیه کشورها برنامه خود را به پیش ببرد. بمباران وحشیانه شهرهای عراق، از زمین و هوا و دریا، با استفاده از تمام قدرتی که آمریکا و متحدینش دارند، صرفا به خاطر ضربه زدن به نیروهای صدام و درهم شکستن مقاومت آنها نیست، در اساس نمایشی است برای تسلیم غرب و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم آزادیخواه دنیا. این نیاز سیاسی، مرزی را برای خشونت و جنایت در این جنگ و به ویرانه تبدیل کردن آن مملکت نمی شناسد. فرصتی است که هر چه سلاح مخرب و آزمایش نشده دارند، بر سر مردم عراق بکار گرفته شوند و آزمایش کنند.

اما، این جنگ تنها میدان نمایش توان و امکانات نظامی آمریکا نیست، در عین حال نمایشی است از نقاط ضعف سیاسی و نظامی آن. نتیجه نظامی جنگ روشن است و بهر سرانجامی برسد، از نظر سیاسی آمریکا شکست خورده و بازنده است. مردم دنیا معنی زمینی دموکراسی و نظم نوین آنرا بخوبی درک

دمکرات کردستان عراق، در نقش همکار و حلقه به گوشان آمریکا، شریک این جنایات هستند و در صورت تثبیت سناریو سیاه منطبق بر منافع آمریکا، ماتریال و ویژگیهای آماده برای ایجاد اسرائیل دوم در خاورمیانه، و اما از نوع کردی آن را دارا هستند.

جنگ در عراق است، اما مسائل مهمی در رابطه با احزاب و نیروهای ناسیونالیستی کردستان ایران در جریان است و حول این مسئله دارد حل و فصل می شود که باید در فرصتی به آن پرداخت. حزب دمکرات کردستان ایران از حضور آمریکا در منطقه و تبدیل عراق به پایگاه نظامی آن خوشحال است. این حزب، فعلا به خاطر رابطه با عراق و اختلافی که بین دوستان سوسیال دمکرات فرانسه ای او با آمریکا هست، دهانش را دوخته و در این لحظات سیاه تاریخ بشر، سکوتی معنی دار پشیه کرده است. رهبران حزب دمکرات در خفا و در مقراتشان و در محافظان جشن خود را می گیرند، تکرار سناریویی که در این ۱۲ سال بر سر مردم کردستان عراق رفت، رویای شیرین خود در کردستان ایران می دانند. اما هیچ جریانی به اندازه سازمان قوم پرست مهتدی ایلخانی از کشتار مردم عراق توسط آمریکا و رشد اختلافات قومی در این منطقه خوشحال نیست. سازمان زحمتکشانش تنها در بطن چنین جنایات و ماجراهایی علیه مردم می تواند نفسی بکشد، چرا که خود محصول این ماجراها است. این جماعت همراه با جلال طالبانی و در مواردی صریحتر از بقیه و بدون ملاحظه تر از دیگر جریانات ناسیونالیستی کردستان عراق، از موضعی نژادپرستانه به دفاع از قضایی کردن مردم توسط آمریکا پرداخته اند و زیر سایه این جنگ خوشحالند و فرصتی یافته اند تا علیه کمونیسم و مدنیت، هذیان و نفرت بیافند. بی خود نبود جلال طالبانی این جماعت را سر هم بندی کرد، زحمتش به هدر نرفت و اکنون دارند از ثمره نظرات فاشیستی شان در این روزهای سیاه بهره خود را میگیرند. سازمان زحمتکشانش مهتدی، تنها جریانی از میان نیروهای سیاسی کردستان ایران است که، علنا بدنال جلال طالبانی و اداره "آسایش" سازمان امنیت مشترک اتحادیه میهنی و قرارگاه رمضان) براه افتاده و کشتار مردم عراق

توسط آمریکا را، محق می داند.

جنگ نظامی و تبلیغی

علیه مردم

یک وجه فعالیت نظامی آمریکا دادن تصویری نامحدود از امکانات و قدرت نظامیش است، تا از این طریق نه تنها مردم کشور مورد حمله را به زانو در آورد، بلکه مردم جهان را مرعوب و به تسلیم و تن دادن به میلیتاریسم خود وادار نماید. آمریکا از دو طریق این کار را می کند. اول اتکا به مخربترین سلاحهای کشتار جمعی علیه طرف مقابل است تا ضربات کاری به آن زند، فرماندهی، ارتباطات، تدارکات و حلقه های اصلی سازمانی آنرا از کار اندازد و بعد نیرویش را وارد عمل کند. طریق دوم، سانسور اخبار و هدفمند کردن خبرها و حتی مهندسی تصاویر جنگ در جهت منافع آمریکا است. از یک طرف تصویر هیولایی و رامبویی و شکست ناپذیر از ارتش آمریکا بدست می دهند، که هر چه در مقابلش مقاومت کند خرد و نابود خواهد شد و در عین حال هر اندازه ممکن باشد نیروی طرف مقابل را بزرگ و وحشتناک جلوه می دهند تا خودشان را بعنوان ناجیان عزیز و آزادکنندگان از شر شیاطین جا زند. از طرف دیگر بعضی خبرها و تصاویر را طوری تنظیم کرده اند که انسان فکر می کند جنگ آنقدرها هم وحشتناک نیست، صحنه های شیرینی هم دارد، از بمب و موشک و لوله تفنگ سربازان آمریکایی باران رحمت دموکراسی و مهربانی میبارد. واقعا درست گفته اند که: رسانه ها و میدیا، مهندسین افکار عمومی و شکل دادن به آند، بیشتر از مذهب، کلیسا و مساجد، دروغ گو، ریاکار و عوام فریبند. همین اندازه از خبرهایی که از واقعیات وحشتناک این جنگ می شنویم، حاصل شکافی است که بین کشورهای غربی بوجود آمده است. اخطار به تلویزیون الجزیره و دیگر خبرنگاران، اخراج پیتراژنت خبرنگار ان بی سی و انحصار پخش خبر از دریچه آن خبرنگاران شیر فهم شده ای که به همراه ارتش آمریکاهستند، گوشه ای از این جنگ و نشان از جایگاه آزادی بیان و قلم و ابراز عقیده و اندیشه در دموکراسی دیکتاتوری سرمایه دارد. مهندسی افکار صریح و بی پرده به شعور



یادداشتی برای ثبت و برای توجه اپوزیسیون

چهره بی نقاب عبدالله مهتدی در دفاع از جنگ آمریکا و فدرالیسم قومی و مذهبی



فاتح شیخ الاسلامی

آمریکا پشت و پناهشان باشد میتوانند خواب این سناریو را برای ایران هم ببینند. جا دارد هر کسی، هر جریانی که از جنگ آمریکا و از هلهله ناسیونالیسم ایرانی سلطنت طلب و ناسیونالیسم کرد پشت این جنگ متنفر است، سهمی از نفرتش را نثار این وردست های درجه چندم آمریکا بکند.

نفس دفاع اینها از جنگ ضدبشری آمریکا و ایستادن پیشرمانه شان رودرروی بشریت آزادخواه در این مقطع مهم تحول جهانی، به تنهایی برای توصیف این دارودسته به اوصافی به مراتب تندتر از آنچه ما کردیم کافی است. اما باز هم مکتبی بر دفاعشان از سناریوی فدرالیسم در عراق لازم است. عبدالله مهتدی در مصاحبه با "آوای آشنا" و "آپادانا" آشکارا پشت جنگ آمریکا قرار میگردد و در ارتباط با آینده عراق (در واقع غیرمستقیم در ارتباط با آینده ایران) بدون به زبان آوردن حتی حرفی درباره حقوق و آزادی های شهروندان جامعه، از سناریوی فدرالیسم قومی و مذهبی برای "بخشهای مختلف

مردم عراق" دم میزند. او برای لانس کردن سناریوی فدرالیسم مورد نظرش عملاً ناگزیر است همزمان در چند نقش ظاهر شود: بدوای زیر پرچم بارزانی و طالبانی که در دفاع از ابقای حاکمیت شان در کردستان پیاده نظام جنگ آمریکا شده اند، بعداً در قالب آخوند باقر حکیم که خواهان سهمی از قدرت برای "شیعیان" عراق است و آخر سر در نقش رجب اردگان و عبدالله گل که آنها هم مدعی سهم مشابه "کردها" و "شیعیان"، برای "ترکمان"ها هستند. در سناریوی دلخواه ایشان، شهروندان جامعه چندین بار به عناوین مختلف شقه شقه و بیحقوق میشوند: یک بار زیر ستون قومی کردها، عربها، "ترکمانها" و غیره به بوغ سران قبایل سپرده میشوند، یک بار زیر ستون مذهبی "سنی" و "شیعه" و غیره تحویل آخوندها داده میشوند و بار دیگر یکجا زن و مرد زیر تیغ موازین اسلامی مورد تاکید کنفرانس لندن برده میشوند! حاصل این ضرب و تقسیم قومی و مذهبی و جنسی در زمین واقعی یعنی سلب حقوق همه شهروندان بعنوان شهروند و انسان و رها کردن آنان در کام کشمکش و کشتار دارودسته های

قومی و مذهبی و زن ستیز در هر کوچه و محله بغداد و بصره و موصل و کرکوک و سایر نقاط عراق و کردستان. و به این سناریو، اشغال "تا اطلاع ثانوی" آمریکا را باید افزود تا شمای کاخ رویاهای عبدالله مهتدی بر ویرانه های جنگ مجسم گردد. اینست آنچه این روزها چهره بی نقاب عبدالله مهتدی و باندش را ترسیم میکند.

خطاب من در این یادداشت به آن بخش از اپوزیسیون است که هنوز با این دارودسته مماشات و خوش و بش "سیاسی" میکنند، خطاب من بویژه به جریانات چپ و ازجمله کومهله است، که تا کی در قبال این گروه باند سیاهی و سناریوی رسوای فدرالیسم قومی - مذهبی شان موضعی اصولی و قاطع اتخاذ نمیکند؟ اگر جاسوسی علیه اپوزیسیون (پخش ادعای کمک کومهله به مجاهدین در سایتشان)، اگر تحریکات نظامی علیه مقر کومهله و بسیاری دلایل سیاسی و اصولی دیگر برای اتخاذ چنین موضعی کافی نبوده است، آیا دفاع بی نقاب عبدالله مهتدی از جنگ و جنایات آمریکا، قرار گرفتن ایشان در کنار احزاب ناسیونالیست کرد در رکاب آمریکا و دفاع از سهم "فدرالی" قدرت برای امثال آخوند باقر حکیم هم برای درک ضرورت کنار زدن این جریان دست راستی و فلائزیست کافی نیست؟

۷ آوریل ۲۰۰۳

علیه جنایتکاران جنگی

(از صفحه ۶)

شهرهای کردستان ما را به جنبش وسیعی که در ابعاد میلیونی در جهان علیه این جنگ جنایتکارانه براه افتاده است نزدیک میکند. در مقابل دست هر گروه قومی و کنترهای دست نشانده آمریکا را برای خلق جنایات بیشتر در میان مردم عراق می بندد. و بالاخره باید همراه با منصور حکمت تلاش کنیم که جنبش بازگرداندن اختیار به ما انسانهای آن منطقه را سازمان دهیم. ما همراه با همه مردم مخالف این توحش باید بایستیم و از وحدت و همدردی انسانها مستقل از محل تولد شان به دفاع برخیزیم. باید در برابر جنگی که اراده و حرمت انسان را نشانه گرفته است و سیاست گذاران نظم نوین تلاش دارند با ارباب جامعه بشری تصمیمات خود را زیر دود غلیظ باران موشک کروز و در میان زیر و رو کردن شالوده مدنی مردم عراق و بر تل اجساد مردم به ما دیکته کنند، اراده خویش برای اعاده اختیار به خودمان را به میدان آوریم. سرنوشت ما را نباید نه ژنرالهای ارتش آمریکا و نه کونترهای ناسیونالیست در منطقه تعیین کنند.

جنگ، جنبش ضدجنگ و تاکتیک نظامی

و وجدان مردم دنیا اهانت میکند و علناً شانتاژ و رسماً دروغ جعل و منتشر میکند. آمریکا به عراق حمله کرد و ابتکار عملیات در دست او بود. ولی فقط ۵-۶ روزی از حملاتشان گذشته بود، متوجه محاسبات نادرست سیاسی و نظامی خود شدند. انتظار داشتند مردم عراق با دسته گل از آنها استقبال کنند و ارتش عراق ظرف چند روز تسلیم گردد. روزهای اول جنگ را به خاطر بیابورید، بوش و بلر و سران ارتش متحدین به ارتشیان

تنفر مردم از قلدری آمریکا در حمله به عراق، عامل بسیار مهم دیگری است که در ترسیم چگونگی آینده این کشور نقش خواهد داشت. در شروع جنگ، آمریکا در فضای سال ۹۱ عراق بود و منطق با آن فضا، نقشه نظامی و سیاسی امروز خود را ریخت و بعداً ناچار به تغییر آن شد. این تغییر استراتژی و تاکتیک نظامی و اشتباه سیاسی و نظامی آمریکا به همراه تاکتیکی که ارتش صدام داشت، میزان تلفات مردم را به سرعت بالا برد. جنگ را به شهرها و محلات کار و زندگی مردم کشاند. بعد از آن خبر بمباران مرکز شهر بغداد،

بصره، نجف، انبار مواد غذایی، برق و مختل کردن بیمارستانها و سیستم آبرسانی و ویران کردن محلات مسکونی مردم را با بمبهای یک تنی ویژه پناهگاههای زیرزمینی را هر روزه می شنوم. در این کشتار مردم، هم نیروهای متحدین و هم عراق، در کم جلوه دادن ابعاد فجایع و آمارکشته ها همسویند، یکی برای مخفی کردن جنایاتش دیگری برای بالا نگاهداشتن روحیه نیروهایش. این جنگ دارد بر صفحه تلویزیونها و در اعماق منازل ما نشان میدهد که نظم سرمایه داری، مکانیسمهای جابجائی و تغییر و آرایش و تجدید آرایش سیاسی و مناسبات دولتها، منطق با نیاز و منطق سرمایه چگونه است. به ما نشان میدهد که زور و تعرض نظامی و میلیتاریسم و برقراری اختناق سیاسی و فضای رعب و وحشت، تحت زوروق دموکراسی، بخشی از فلسفه سلطه سرمایه و همزاد با آن است. بشریت مدتهاست نیازمند تغییر بنیانهای این جهان وارونه است. بشریت کمونیسم را می طلبد. چه زیبا گفت منصور حکمت که جهان بدون سوسیالیسم، به چه منجلابی سقوط میکند.

۶ آوریل ۲۰۰۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

خطاب به مردم کردستان عراق

(از صفحه اول)

کردستان را کشتار میکرد و در مقاطعی که مردم برای آزادی خود از چنگال بعث به میدان آمده بودند، خم به ابرو نیاوردند و حمایت کننده صدام دیکتاتور بودند. اینها خود شریک جرم رژیم بعث عراق علیه مردم هستند.

اعتراض وسیع و گسترده مردم در سراسر دنیا به این جنگ و کشتار به خوبی نشانگر این واقعیت است که آمریکا دنبال تثبیت زورگویی و "آقایی" خود بر دنیا است. دنبال اینست در سراسر دنیا همه گوش به فرمان آمریکا و در خدمت تامین منافع آمریکا و به میل آمریکا عمل کنند. میخواهد با سرنگونی بعث و کنترل عراق نشان دهد میلیاردها انسان در جهان اختیاری ندارند. قبل از هر چیز این تعرضی علیه هر حرکت امروز و فردای توده مردم است. و این جنگ و نشان دادن به جنبشهای حقطلبانه و آزادیخواهانه و انسانی توده مردم در سراسر دنیا است. بر خلاف تبلیغاتی که میکنند، اکثریت دولتهای مرتجع و ضد مردمی امروز در دنیا مشکلی با گوش به فرمان بودن آمریکا ندارند. همین رژیم بعث ۱۲ سال است آمادگی داشته تا خودش را با منافع آمریکا منطبق کند. رژیم بعث در عراق را نپذیرفتند، چون به جنگ در جغرافیای عراق نیاز داشتند، تا در آن بچنگند و کشتار و ویرانی را بر مردم تحمیل کنند تا به دنیا و به بشریت ثابت کنند "ژاندارم خودگمارده" دنیا هستند. اینها جنگ و دندان به بشریت آزادیخواه در دنیا و به من و شمای حق طلب و ضد زور و ستم نشان میدهند که "پاز گلیم خود درازتر نکنیم" و بی اختیار قبول کنیم دنیا طبق قواعد مورد نظر جنایتکارانی چون بوش و بلر و سردمداران جنایتکار کاخ سفید باید پیش برود. این جنگی برای اسیر

کردن مردم در چهار گوشه دنیا و تحمیل بربریت بدون حد و مرز بر بشریت در دنیا است. صف میلیونی مردم ضد جنگ و ضد سیاستهای زورگویانه آمریکا و متحدینش این واقعه خطرناک را می بیند و آن را نمی پذیرد و اینچنین با جوش و خروش به میدان آمده است. مردم آزادیخواه و حق طلب کردستان هم به این صف اعتراضی و به صف انسانیت و جهان متمدن متعلقند.

ناسیونالیسم کرد و مشخصا اتحادیه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان در این صف آزایی جهانی، در صف آزایی بین جبهه میلیونها مردم خشمگین و معترض به آمریکا و جبهه زورگویی و میلیتاریسم و جنگ و جنایت آمریکا جزو اولین نیروهای منطقیهای شریک در جنگ و جنایت آمریکا هستند. میدانم اینها بر تنفر عمیق و برحق ما مردم علیه فاشیسم و جنایت و سرکوبگری حاکمیت سیاه بعث سرمایه گذاری میکنند. میدانم اینکار خود را به بهانه "کسب حق ملی" و دستیابی به "فدرالیسم" توضیح میدهند. اما بیایید یکبار دیگر این ظواهر عوامفریبانه را کنار بزنیم، تا حقیقت موضوع را متوجه شویم. بر خلاف تبلیغات امروزشان، تاریخچه ناسیونالیسم کرد و این دو حزب پر از سازش و بند و بست و ریبوسی با رژیم بعث و صدام جنایتکار به قیمت معامله کردن بر سر مبارزه مردم و به بازی گرفتن سرنوشت مردم بوده است. دوما توجیهات "کسب حق ملی" و "فدرالیسم و اتونومی" و غیره وسیلهای بوده در دست اینها که احزابشان با دولتهای مرکزی واز جمله رژیم بعث شریک قدرت شوند و همان قوانین و موازین ارتجاعی دولت مرکزی و از جمله در همین دوازده سال گذشته توسط اینها در کردستان پیاده شود و به این معنا اداره امور کردستان را به عهده بگیرند. این پدیده ذرهای به رفع ستم ملی و نجات مردم از تبعیض و تحقیر و ستم و مبارزه حق طلبانه و تاریخی مردم در کردستان ربطی نداشته و ندارد. ثانیا فرض کنیم نه

تنها "فدرالیسم و اتونومی" بلکه مصلحت آمریکا ایجاب کرد و در این شرایط سند "استقلال کردستان" را هم امضا کرد و تحویل سران ناسیونالیسم کرد داد. قاعدتا سوال مردم آزادیخواه جهان و من و شما مردم آزادیخواه از همان جامعه کردستان اینست، این چه "استقلال و کشور مستقلی" است که ماحصل کشتار وسیع مردم و به اصطلاح خود آنها "ملت دیگری" و تخریب جامعهای باشد که مردم کرد زبان و عرب زبان سالهاست در چارچوب آن زیسته و به کار و زندگی مشغول بوده اند؟ این چه "فدرالیسم و استقلال و مصلحتی" است، که زاده غرش موشک کروز و بمباران و توپ و تانک و لشکرکشی ارتش آمریکا علیه جامعه عراق و خانه خراب کردن بر مردم عادی باشد؟ این چه "استقلال و حق و حقوقی" است که به قیمت پایمال کردن "استقلال عمل و حق و حقوق مردم عرب زبان" در همان جامعه توسط آمریکا به دست بیاید و آمریکا خود را حاکم کند؟ مگر یادمان رفته است ناسیونالیسم و شوونیسم عرب و رژیم بعث عراق با همین توجیهات "استقلال عراق و مصالح ملت عرب" به کشتار وسیع مردم کردستان و بمباران شیمیایی و کشتار صدها هزار نفری همچون "افغال" دست زده است؟ مگر رژیم بعث با اینکار خود به جز کینه و دشمنی و ناامنی و جنگ چیز دیگری برای مردم در عراق به ارمغان آورد؟ آیا این بار تحت نام "فدرالیسم و استقلال" کردستان ماحصل نظم نوین جهانی باید شاهد جنگ و پاکسازی قومی و دشمنی با مردم عرب زبان باشیم؟ آنچه ناسیونالیسم کرد و این دو حزب در این ماجرا تعقیب میکنند رهایی مردم کردستان و رفع ستم ملی نیست، بلکه اجرای راه حل اسرائیلی برای مردم کردستان است. مگر "استقلال اسرائیل" و تشکیل کشور اسرائیل با زور و حمایت آمریکا و به قیمت پایمال شدن حقوق مردم و کشتار و اشغال فلسطین توانسته است امنیت و آسایش و احترامی را برای مردم اسرائیل موجب شود؟ از نظر

انسان آزادیخواه شکی در این نیست مردم اسرائیل حق دارند استقلال و کشور خود را داشته باشند. اما می بینیم کشور و دولتی که اساسا با اتکا به آمریکا و کشتار مردم فلسطین خود را سرپا نگه داشته، نه تنها مورد تنفر مردم آزادیخواه سراسر جهان است، بلکه امنیت و آسایش و سعادت را برای شهروندان اسرائیل هم ببار نیاورده است. تکرار الگوی اسرائیلی به دست گرفتن "حاکمیت و قدرت سیاسی" در کردستان، آظور که ناسیونالیستها آرزوی آن را دارند، درست همانند نمونه کنونی اسرائیل چیزی جز نفرت و دشمنی مردم آزادیخواه دنیا و نبودن آسایش و امنیت را برای مردم کردستان به ارمغان نمی آورد. این خلاف اهداف و آرزوی برحق مردم کردستان برای رهایی از ستم ملی و هر نوع تبعیض و تحقیر است. شرایط نرمال زندگی است.

چنین راه حل و سیاست و هم پیمانی که احزاب ناسیونالیست کرد با آمریکا پیدا کرده اند، از نظر مردم آزادیخواه کردستان مردود است.

مردم آزادیخواه کردستان!

همانطور که اشاره شد بر خلاف تبلیغات رسانه های مطیع آمریکا و ناسیونالیسم کرد، جنگ و جنایت کنونی آمریکا در خدمت منافع مردم عراق و کردستان عراق نیست، بلکه در ضدیت کامل با منافع مردم در سراسر دنیا است. ناسیونالیسم کرد و احزاب آن به نام "مردم کردستان" شریک این جرم و جنایت شده است. با صدای رسا باید اعلام کنیم اینها نمیتوانند سهمی شدن خود در جرم و جنایت آمریکا را به نام مردم کردستان قالب کنند. مبارزه تاریخی مردم کردستان، مبارزه ای حق طلبانه برای آزادی و رهایی و رفع ستم ملی بوده و هست. صف جنبش آزادیخواهانه مردم کردستان نقطه مقابل جبهه

ارتجاع ناسیونالیستی همدست آمریکا و همسرنوشت مبارزه آزادیخواهانه در منطقه و در سراسر جهان است. نباید اجازه داد ناسیونالیسم کرد حقانیت اهداف و آرزو و مبارزه مردم کردستان را لکه دار کند. مطالبات فوری این جنبش بیش از هر زمانی به روشنی بیان شده است. حزب کمونیست کارگری عراق چند سال است راه حل رهایی قطعی پایان دادن به ستم ملی و سرگردانی و بلاتکلیفی کنونی جامعه کردستان را ارائه کرده است. مراجعه به رای مردم و به رسمیت شناختن رای و نظر آنها در تعیین آینده سیاسی جامعه کردستان در یک فرآیند به رسمیت شناخته شده بین المللی و پیشنهاد ایجاد کشور مستقل اقدام سر راست و موثری است که اتفاقا در ۱۲ سال گذشته احزاب حاکم ناسیونالیست کرد و آمریکا از موانع سد راه آن هستند.

اما در این مقطع تاریخی و در بطن جنگ جنایتکارانه کنونی همصدا و همگام با مردم آزادیخواه سراسر دنیا باید اعلام کرد، خواستار قطع فوری این جنگ و بیرون رفتن ارتش جنایتکار آمریکا و انگلیس از عراق و تعیین سرنوشت آتی عراق توسط خود مردم عراق هستیم. باید به دنیا نشان داد، ناسیونالیسم کرد به عنوان جبهه ارتجاع جامعه کردستان شریک جرم و جنایت آمریکا است و در مقابل جنبش آزادیخواهانه و رادیکال مردم کردستان همراه صف آزادیخواهانه مردم در دنیا و در عراق است. □

کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است



است. اینها می خواهند در انظار افکار عمومی مردم کردستان را شریک جرم هیئت حاکمه جنایتکار آمریکا و انگلیس نشان دهند.

همه می دانند که چه در کردستان و چه در خارج کشور مردم کرد زبان علیرغم تمام جنایاتی که صدام علیه آنها انجام داده است، اما رهایی خود را در کشتار مردم عراق نمی بینند. بر عکس تصویری که رسانه های نوکر صفت از مردم کرد بدست می دهند این مردم، نوعدوست و آزادیخواه اند. علیرغم تبلیغات و جار و جنجالی که براه انداخته اند این مردم، این قربانیان سلاح شیمیایی و این رهاسدگان زیر سلطه احزاب عشیره ای که جامعه را تبدیل به اردوگاه آوارگان و محل تاخت و تاز نیروهای مسلح دولتهای منطقه و جنگ قدرت داخلی خود تبدیل کرده اند، رهایی خود را در از بین رفتن انسان های دیگر نمی بینند. مردم کردستان خود یکی از قربانیان چنین سیاست هایی بوده اند.

این قلب حقایق، از عواقب ارتجاعی دوران فترتی است که "کمونیسم مرد" را جار زدند. اما امروز این فقط یک تصویر از اوضاع کنونی است. در بخش دیگری از این تصویر اعتراض متشکل و هماهنگ میلیونها انسان وجود دارد که به این جهنمی که برایش ساخته اند، معترض است. دیگر دنیا را از منظر بی بی سی، و سی ان ان نمی بیند. چهره چنین بنگاههای عظیم دروغ پردازی برایش روشن شده است. وجدان بشریت امروز بیدار شده است. این جنبش بیداری مردم، باید سیاست های ناظر بر رسانه ها و میدیای فوق ارتجاعی را افشا و رسوا نماید. دوران دفاع از حقیقت است.

۱۹ فروردین ۱۳۸۲
۸ آوریل ۲۰۰۳

کشنده و ... اختصاص می دادند، جهان چه سیمای دیگری بخود می گرفت؟

پروپاگاندا اینها در کردستان و در مورد مردم این جامعه نیز از این سیاست های فوق ارتجاعی پیروی کرده است.

اینها در این مدت در کردستان فقط یک صدا، یعنی صدای ناسیونالیزم کرد را بنام همه مردم کرد زبان به تمام دنیا جار زدند. اینها صدای احزاب و جریاناتی در کردستان را در بوق و کرنا کردند، که در هنگام کشتار مردم عراق به رقص و پایکوبی پرداختند. اینها فقط صدای احزاب و جریاناتی را در کردستان به جهانیان نشان دادند که به نوکری نیروهای آمریکا و انگلیس در آمدند. اینها یکبار دیگر واقعیات مربوط به جامعه و مردم کردستان را قلب کردند، همانطوریکه سال هاست تصویر جامعه کردستان و مردم آن را از منظر احزاب ارتجاعی و

جنگ و نقش رسانه های سرسپرده پنتاگون (از صفحه اول)

بی بی سی و سی ان ان، و فاکس نیوز و ... فقط یک طرف جنگ و قدرت نیروهای اشغالگر آمریکا و انگلیس را به مردم دنیا نشان می دادند. اینها دیگر در هنگام پخش اخبار مربوط به جنگ عینا به عنوان یکطرف این جنگ ظاهر می شدند. تصور کنید اگر یک هزارم پروپاگاندی که اینها برای موجه نشان دادن کشتار کودکان عراقی و به موشک بستن خانه و کاشانه آنها به خورد مردم می دهند، در باره عواقب خود این بمبارانها باشد. تصور کنید یک هزارم تبلیغاتی که اینها برای محاصره اقتصادی مردم عراق و گرسنه نگهداشتن مردم در آن جامعه در بنگاههای تبلیغاتی شان جار می زنند، را در مورد اعتراضات کارگران و زحمتکش

خدمت نمیکنند. آنچه که بعنوان گزارش "رسمی" بویژه از رسانه های مورد تایید ارتش آمریکا منعکس میشود، باید از این فیلتر خفقان جنگی عبور داده شده باشند. بنابراین "اخبار و گزارشات تایید شده"، ابدان نشانی



از حقیقت و شرافت و انسانیت ندارند. به این میدیای با "شرف" باید بابت این همه دروغ پراکنی جایزه داد.

مدتها قبل از شروع حمله آمریکا و انگلیس به عراق رسانه ها و میدیای غرب در جهت شکل دادن به افکار عمومی و در جهت تحریف واقعیات و توجیه سیاست های جنگ طلبانه آمریکا بکار گرفته شده بودند. همان رسانه هایی که ۱۲ سال است، محاصره اقتصادی مردم عراق و به گروگان گرفتن غذا و شیر کودکان عراقی را توجیه کرده اند. میدیایی که ۱۲ سال قبل نیز کشتار بیش از دوست هزار نفر از مردم عراق را تحت نام "دمکراسی" توجیه کردند، رسانه هایی که از آن همه فجایع سال ۹۱ که تازگی ها بعضی از آنها برملا شده است را با سکوت پرگزار کردند و آنها را از مردم آزادیخواه دنیا پنهان کردند. اینهایی که از بکار بردن اسلحه های کشنده آمریکایی در سال ۹۱ که تا بحال باعث مرگ چندین نفر از سربازان آمریکایی درگیر در آن جنگ شده است، لب "رازدارشان را نکشودند. امروز یکبار دیگر مانند بخشی از این ماشین جنگی آمریکا به نوکری و سرسپردگی آمریکا کمر بسته اند تا حقایق مربوط به کشتار مردم عراق و لت و پار

نیروهای آمریکا و انگلیس مشغول بودند. در منعکس کردن حقایق ذره ای از شرافت و انسانیت را رعایت نکردند. اینک دیگر برای همه مثل روز روشن است که بخش مهمی از جنگ کنونی را رسانه های همیشه با شرف به پیش می برند. این دستگاههای تبلیغات جنگی در ۲۰ روز گذشته همه حقایق جنگ را به میل خود قلب کردند و خود به بخشی از ماشین جنگی بر علیه مردم عراق تبدیل شدند. میدیای دست راستی، نظیر

این دنیا به سیستم امروز می کنند نشان می دادند و یا یک هزارم آن را به جنایاتی که خود آمریکا و نظام های سرمایه داری بر سر مردم می آوردند و آنها را در زندان ها و شکنجه گاهها می اندازند، اختصاص دهند. و تصور کنید اگر یک هزارم این تبلیغات جنگی را انعکاس گزارشات مربوط به فقر و بیکاری و گرسنگی که بخش بزرگی از مردم دنیا را به کام مرگ فرو برده است، به کمبود بهداشت و بیماری های

علیه جنایتکاران جنگی، برای ایجاد همبستگی انسانی



هاله طاهری

مهیبه چند لحظه بعد سکوت را میشکند، برای مردمی که یک بار سفری به بغداد کرده، فامیلی و دوستی دارد و یا تنها به این دلیل به کودکان و مردم بی‌دفاع عراق می‌اندیشد، آری همدردی عمیقی در قلب میلیون‌ها انسان بوجود آورده است. نوروژ و چهارشنبه سوری بی‌روقت مردم ایران بویژه مردم کردستان در سال جدید حکایت این همدردیست.

تابستان سال ۲۰۰۲ سفری به کردستان عراق داشتم و در شهرهای اربیل و سلیمانیه به دنبال پروژه مشخصی در رابطه با قتل‌های ناموسی بودم. در بیمارستان سلیمانیه بعد از ملاقات زنان در بخش سوختگی به اتاق سوختگی و شکستگی مردان رفتم. دو عراقی بستری بودند و بعد از احوالپرسی پرسیدم که اینجا چکار میکنند. گفتند سرباز فراری هستند. اینجا کار پیدا کرده‌اند. چندی پیش در ساختمانی که کار میکردند سقف آن فرو ریخته و بشدت زخمی شدند. چند مرد آمدند جلو و در گفتگویمان شرکت کردند. گفتند که اینجا آواره هستند و هیچ پولی هم ندارند. ما معمولاً هر چه داشته باشیم به آنها هم میدهم. هیچ خبری از خانواده‌شان ندارند. میگویند که از صدام بیزار و فراری‌اند و چند نفر در خانواده‌شان در جنگ کشته شده‌اند. چشمهای هر دو نفر عراقی پر اشک شد. مردی میانسال گفت: «اینها هم کمتر از ما بدبختی نکشیده‌اند!»

مردم کردزبان و عرب زبان در عراق با هم همواره ارتباطات متعددی اجتماعی و اقتصادی داشته‌اند. در همه دوره‌هایی که مردم در کردستان مورد حمله‌های وحشیانه دولتهای مرکزی بوده‌اند و حتی در همین ۱۲ سال گذشته از بعد از کنترل احزاب ناسیونالیست بر کردستان هم این ارتباط علیرغم خطرناک بودن راهها و موانع دیگر برای بخشی از مردم همواره عمل میکند. جنایتهای صدام در سراسر عراق

و از آنطرف احزاب ناسیونالیست و گروههای قومی، عشیره‌ای در کردستان مردم کرد و عرب را در قربانی شدن و آوارگی با هم هم‌سرنوشت کرده است. ناسیونالیسم عرب و کرد از لحاظ محتوایی با هم فرقی ندارند. هر دو بشدت جنبش‌هایی عقب مانده، عشیره‌ای و تماماً آغشته به اسلام هستند. هر دو ضد زن و طرفدار مردسالاری هستند. بمباران حلبچه، کشتار و آواره کردن مردم کردستان همزمان بوده با دستگیریهای وسیع جوانان، روشنفکران و فعالین سیاسی عرب در بغداد و دیگر شهرها. در سالهایی که به بهانه‌های ناموسی و سناریوهای ارتجاعی و ساختگی هزاران زن در کردستان در خفا و آشکارا کشته و یا سربه نیست میشدند، در عراق گردن ۱۸۰ زن را با تبرهای سنگین زدند و آنها را به سردر خانه‌هایشان آویزان کردند. در کردستان احزاب ناسیونالیست و جریان‌های اسلامی در منطقه به این جنایات یاد می‌زدند و در ارتکاب آن شریک بودند. در شهرهای دیگر عراق سربیدن زنان تن‌فروش به دسیسه رامبوهای مسلح ویژه صدام و گروههای اسلامی تغذیه شده از جمهوری اسلامی ایران سازمان داده شده بود. ترس و ارعاب ناشی از آن زنان را سالها در عراق به عقب برگرداند. «اسلامی کردن» جامعه سریعاً در دستور افتاد و با هرگونه مقاومت از جانب مردم آنها را به گلوله می‌بستند. دیسکوها را بستند و هر آنچه امکانات شادی و خوشی مردم بود در شهرهای عرب نشین را از آنها گرفتند و به جای آن صدها مسجد ساخته شد. کثیف‌ترین جریان‌های ارتجاعی و مذهبی و از آن جمله عشایر فسیل شده فرصت عرض اندام کرده و در منطقه بسرعت مسلح شدند. همان موقع در کردستان جریان‌های اسلامی از جانب احزاب حاکم ناسیونالیست جیره و مواجب و تسلیحات نظامی میگرفتند و در جوله‌هاشان به تهدید زنان و دختران به حجاب اجباری میپرداختند، به روی زنان اسید میپاشیدند و علیه فعالین جنبش زنان فتوا صادر میکردند. مردم عراق هیچوقت از صدام دل خوشی نداشته و به عنوانی مختلف این نارضایتی خود را نشان داده‌اند. جنگ ایران و

عراق و عظمتطلبی صدام صدها هزار کشته و فقر شدید برای مردم به جا گذاشت. هر آنچه مدنیت در جامعه عراق نام داشت را از خیابانها و منازل مردم جاروب کردند. این وضعیت بی‌زاری عمومی مردم را تشدید کرد، اما مردم در مقابل این جنایات با شکم گرسنه و با وجوداعدامها و دستگیریهای وسیع، چه قبل از جنگ و چه بعد از آن، یارای مقابله و سرنوشتی آن را نداشتند.



همسرنوشتی مردم عراق، آنها را سالها در درد مشترکی به نام دولت جنایتکار صدام به هم نزدیک کرده است. اگر چه هم جنایتهای صدام علیه مردم در کردستان و هم نیروهای مسلح احزاب ناسیونالیست بارها در دوره‌های حیات خود تلاش کرده‌اند که خود را به جای مردم نشانده و به نمایندگی از مردم به کینه توزی و دشمنی قومی میان اعراب و کرد بپردازند. تاریخ کردستان صفحات زیادی در وصف این حقه‌بازیه‌ها، جنگها و سازشها میان احزاب ناسیونالیست و صدام دارد. در این وحشیگریها آنکه قربانی میشد مردم بی‌دفاع بودند. این اسناد جنایات ناسیونالیسم در تاریخ نوشته و ننوشته شده جهان معاصر حذف شدنی نیست. این را هر کسی در کردستان میداند. در این دوره که جهان شاهد بیرحمانه‌ترین کشتار علیه مردم عراق است ناسیونالیسم در کردستان این جنگ را نعمتی برای خود دیده و به دامن زدن به عرق قومی و قبیله‌ای و اظهار خوشحالی کردن از کشتار مردم پرداخته است. شریک شدن در این جنایات برای گرفتن مدال از ژنرالهای جنایتکار آمریکایی (البته اگر شانس گرفتن جایزه‌ای را داشته باشند!) عشق کنترا شدن و جنگیدن در اردوگاههای نظامی آمریکایی‌ها همه آنها را گیج و مست کرده است. بالاخره همانطور که یکی از رهبران احزاب ناسیونالیست با زبان بی‌زبانی بیان کرده که یک

دوره هم بد نیست آمریکایی‌ها افسار این احزاب را در دست داشته باشند. البته خود آنها هم از آینده خود بی‌اطلاعند. تبدیل شدن به پیچ و مهره ماشین کشتار آمریکا، الزاماً همان قدرت کارتونی و فرمال حاکمیت احزاب عشایری را هم از دست آنها خراج خواهد کرد در غیر این صورت تحویل گرفته نخواهند شد، شاید برای همیشه به عنوان کارمندان درجه پایین آنها هضم شوند، و شاید هم مرخص شوند! مگر ارتش آزادیبخش کوسوو و مقدونیه را ناتو بعد از پایان کارش در یوگوسلاوی سابق چکار کردند؟ هیچ چیز در سیاست نظم نوین غیر ممکن نیست.

اما در این ماجرا حساب مردم در کردستان جداست. مردم این جنگ را حمله به حرمت انسانی خود و فرزندان‌شان میدانند و نظاره‌گر فریادهای کودکان ملت بغل‌دستی خود نیستند. اگر تا این لحظه ناسیونالیسم به خاطر بمباران و شستشوی مغزی مردم، بخشی از آنها را در این توهم نگه داشته که بمباران هر روزه مردم عراق موجه و جای خوشحالیست، باید این سیاست ضد انسانی را افشا کرد. باید مردم را به خزیدن به دره خطرناک یک کشمکش قومی که شاید برای سالها میان مردم عرب و کرد اختلاف و دشمنی بوجود آورد آگاه کرد. توقف فوری جنگ و کمک‌سانی وسیع به مردم عراق فوراً و همین الان خواست میلیون‌ها انسان است که مردم کردستان هم بخشی از این زنجیره بهم پیوسته جهانی‌اند. علاوه بر این مردم در کردستان به دلیل تاریخ مشترک و قرار گرفتن در جوار این جنگ غیر انسانی باید در کنار مردم عراق بوده و همدردی خود را قویا نشان دهند. بیش از آن هم باید کنترهای آمریکایی در کردستان را افشا و رسوا کنند، چرا که آنها هرگز نماینده مردم نبوده و نیستند.

طرح جنایتکارانه ناسیونالیستها برای براه انداختن اختلاف قومی در میان مردم جایی ندارد و این وظیفه هر انسان آگاه‌بست که به افشا آن بپردازد. تقویت حزب کمونیست کارگری در پیش بردن این سیاست و گسترده‌تر کردن جنبش ضد جنگ در